



شورای عالی انقلاب فرهنگی

هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره
(ویژه علوم انسانی و معارف دینی)

کمیته دستگاہی کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره طرح نامه ویژه ی کرسی های ترویجی

حوزه ی علمی بحث: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان: تحلیل انتقادی کتابهای «سیاست جنایی» در پرتو نقد سیر توسعه این دانش در ایران

ارائه دهنده: دکتر مهدی خاقانی اصفهانی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)

پست الکترونیک (Email): khaghani@samt.ac.ir

۲. سوابق آموزشی:

الف - مدارج علمی و تحصیلی

ردیف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	حوزه / دانشگاه	کشور
۱	دکتری	حقوق جزا و جرم‌شناسی	دانشگاه قم	ایران
۲	کارشناسی ارشد	حقوق جزا و جرم‌شناسی	دانشگاه شیراز	ایران
۳	کارشناسی	حقوق	دانشگاه اصفهان	ایران

ب - اهم سوابق تدریس (مرتبط با موضوع کرسی):

ردیف	عنوان درس	مقطع	حوزه / دانشگاه
۱	حقوق کیفری اختصاصی	دکتری	دانشگاه تهران
۲	زن در سیاست جنایی اسلام	دکتری	دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی
۳	سیاست جنایی	دکتری	دانشگاه خوارزمی، دانشگاه آزاد قم
۴	تاریخ تحولات حقوق کیفری	کارشناسی ارشد	دانشگاه آزاد واحدهای اصفهان، سمنان، بروجرد، خرم‌آباد،
۵	جامعه‌شناسی جنایی	کارشناسی ارشد	دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دانشگاه شاهد، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، جامعه‌المصطفی العالمیه، دانشگاه آزاد واحدهای قم، سمنان، بروجرد، خرم‌آباد،
۶	جرم‌شناسی	کارشناسی ارشد	دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، دانشگاه آزاد واحدهای سمنان، بروجرد
۷	حقوق کیفری بین‌المللی	کارشناسی ارشد	دانشگاه شاهد، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، جامعه‌المصطفی العالمیه، حوزه علمیه قم (موسسه حقوق و قضاء اسلامی، شعبه قم و تهران)
۸	بزهکاری اطفال و نوجوانان	کارشناسی ارشد	دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
۹	حقوق کیفری اختصاصی	کارشناسی ارشد	دانشگاه خوارزمی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، جامعه‌المصطفی العالمیه، دانشگاه آزاد واحدهای قم، نجف‌آباد، قزوین، سمنان، بروجرد،
۱۰	جرم‌شناسی	کارشناسی	دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دانشگاه حضرت معصومه، دانشگاه آزاد واحدهای مختلف
۱۱	حقوق جزای عمومی و اختصاصی	کارشناسی	دانشگاه قم، دانشگاه آزاد واحدهای مختلف

۳. مشخصات طرحنامه

-عنوان طرحنامه:

جریان‌شناسی انتقادی گفتمان «سیاست جنایی اسلامی-ایرانی»

-چکیده در ۱۰۰ کلمه به همراه واژگان کلیدی

نه‌تنها پژوهش کتاب‌سنجی، بلکه مقاله‌سنجی منسجم و چشم‌گیری در نوشتگان دانشگاهی ایران در قلمرو دانش «سیاست جنایی» که یکی از قلمروهای تخصصی رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی است به‌چشم نمی‌آید. پی‌ریزی یک سامانه نظری بومی برای اندیشه‌ورزی در سیاست جنایی ایران، در گرو نقد وضعیت کنونی پژوهش در این دانش جنایی بینارشته‌ای است. سیاست‌گذاری جنایی واقع‌نگر و پایش‌پذیر، بدون تحلیل موانع ریش دانش سیاست جنایی و نمودهای آن در نظام عدالت جنایی ایران ممکن نیست. تداوم نشر نوشتارهای نامبتهی بر اصول و ساختار سیاست جنایی به اسم سیاست جنایی، مانع بهره از فرصت پدیدآمده از روی‌آوری برنامه درسی جدید رشته حقوق (مصوب وزارت عتف) به دانش سیاست جنایی می‌گردد و روند ترجمه‌گرایی غیربومی و این همان‌انگاری نهادهای مدرن سیاست جنایی غربی با تأسیسات سنتی حقوق کیفری ایران را دامن می‌زند.

کرسی پیشنهادی، به روش تحلیل انتقادی در بستر کتاب‌سنجی، ضمن بررسی تأثیر ضعف مسأله‌یابی پژوهش در علوم جنایی بر خلل در توسعه دانش سیاست جنایی، بازتاب الهیات سیاست‌گذاری علم بر تفاوت محتوای پژوهش‌های سیاست جنایی را در سطح کلان - و نه در بازه علم‌سنجی آماری این پژوهش‌ها - تحلیل می‌کند و راهکارهایی جهت تقویت دانش و کنش بایسته برای پایش برونادهای علمی حامل عنوان سیاست جنایی در نوشگان حقوقی فارسی ارائه می‌دهد. این مهم، یاریگر تدوین نظام سیاست‌گذاری دانش سیاست جنایی، اصلاح سرفصل واحدهای درسی و کتاب درسی سیاست جنایی، و پشتوانه علمی نهادها و کنشگران سیاست‌گذاری جنایی خواهد بود.

واژگان کلیدی: کتب سیاست جنایی، علم‌سنجی، الهیات دانش، بومی‌سازی حقوق

-شرح مختصر موضوع طرحنامه

سیاست‌گذاری جنایی، ازجمله موضوعات پیچیده حکمرانی است که عوامل پرشمار تأثیرگذار، ساحت‌های وسیع، کنشگران متعدد و پیامدهای فراوان دارد. در سیستم‌های پیچیده، به‌منظور کنارآمدن با پیچیدگی بیش از اندازه، نیاز به در نظر گرفتن ساختارهایی مناسب است، نه ساختارهای متمرکز و نه غیرمتمرکز، بلکه ساختارهایی با توازن صحیح که قادر به سازگاری با تنوع محیطی باشند و نظام معنایی و ابزارهای مادی و انسانی مناسب جهت چالش‌یابی ساختاری و

کارکردی و پایشگری پویا داشته باشند تا بتوانند به مانایی حکمرانی مدد برسانند.^۱ سیاست جنایی، ازجمله پیچیده‌ترین سیستم‌های شناختی - رفتاری در ساحت حقوقی حکمرانی عمومی است.

در هیچ دوره و زمانی، هیچ گروهی با دیدگاه منسجمی که بتوان بر آن نام «مکتب سیاست جنایی ایران» یا حتی «سیاست جنایی ایران» گذاشت، طراحی و اجرای راهبردهای عدالت جنایی را در قالب علمی سیاست‌گذاری جنایی تمشیت ننموده‌اند. مبنای تصمیم‌گیری‌های شبیه به سیاست جنایی، سیاست‌گذاری‌ها در حوزه عدالت جنایی و اداره امور کلان پیشگیری و پاسخ‌گذاری نسبت به تخلفات خطیر و جرایم در دهه‌های اخیر، اقتضای شرایط حاکم بر کشور و فهم برنامه‌ریزان و مجریان امور انتظامی و کیفری بوده است، در نتیجه بسیار طبیعی - و البته ناگوار - بوده که باتوجه به تنوع تفکرات و سیاست‌ها و مدیران حاکم بر امور عدالت جنایی کشور، نوسان‌های تقنینی گسترده، ابهام در اولیه‌های مسائل حقوق کیفری (ازجمله وضعیت رعایت و حرمت‌نگه‌داشتن برای اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها توسط خود قانون‌گذار و اصل عطف بماسبق‌نشدن قوانین کیفری و...)، عدم روش‌مندی علمی در سیاست‌گذاری جنایی و مشکلات در فهم نظام مسائل سیاست جنایی و چالش‌های فراوان دیگر، به‌رغم همه پیشرفت‌های حقوقی تحسین‌برانگیز، اما کمتر از حد صدق وجود یک «سیاست جنایی» برای ایران، دشواره‌ای در کنار دشواره‌های متعدد دیگر که ملت و دولت با آن مواجهه دیرپا و کهن دارند، پدید آمده که همانا «دشواره‌های سیاست جنایی» - به‌ویژه دشواره رابطه نص و واقعیت اجتماعی - است.^۲

پی‌ریزی یک دستگاه نظری قابل اجرا در سیاست جنایی، مستلزم آسیب‌شناسی وضعیت کنونی پژوهش در حوزه سیاست جنایی است. توسعه حقوقی نیازمند تحلیل درست رابطه موجود و مطلوب مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در ساحت نظری با بازیگران میدان عمل حقوقی است. چنین تحلیلی باید از بررسی انتقادی فضای پژوهش سیاست جنایی - که منشأ ایده‌پردازی و تصمیم‌گیری از سوی متولیان سیاست‌گذاری جنایی است و خوراک علمی و رهنمود عملی به آن‌ها می‌دهد - آغاز شود.

در میان گونه‌های برون‌دادهای پژوهشی، اعم از کتاب، مقاله، رساله، طرح پژوهشی و...، کتاب (اعم از درسی و کمک‌درسی، مبنایی و پژوهشی) اهمیت بسزایی در سیر پیشبرد دانش در نوشتگان علمی دارد. کتاب‌های درسی دانشگاهی، سنگ‌بنای محتوای آموزشی دروس مقاطع تحصیلی دانشجویان و شکل‌دهنده نظام باورهای علمی آنان است. کتاب دانشگاهی هم مهم‌ترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی در تحصیلات عالیه است که در نظام‌های دانشی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایران، کتاب دانشگاهی، حتی نقش جهت‌دهی به فعالیت‌های اساتید دانشگاه‌ها را

^۱. سیاست‌گذاری جنایی، مدرسان سیاست‌گذاری عمومی سیاسی و عامل مانایی رژیم سیاسی است. برای مطالعه درباره اثرگذاری راهبردی سیستم‌های پیچیده شناختی - رفتاری بر مانایی حاکمیت‌های سیاسی با تأکید بر حاکمیت ج.ا.ا، بنگرید به: مسلمان‌ی نوش‌آبادی، غلامحسین؛ آذر، عادل. (۱۴۰۲). تحلیل و واکاوی مانایی ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی*، ۱۶(۶۰): ۱-۳۴.

^۲. تفصیل این دشواره، در: خاقانی اصفهانی، مهدی. (۱۴۰۱). دشواره تعامل نص و واقعیت در بر ساخت سیاست جنایی اسلامی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۸، شماره ۳.

ایفا می‌کند و اغلب مدرسان، کتاب درسی هر عنوان درسی را برنامه همان درس می‌دانند.

نتایج برخی مطالعات انجام‌شده نشان‌دهنده عدم تناسب محتوای کتب درسی با اهداف دروس است و برخی کتاب‌های آموزش رشته‌های علوم انسانی نیز از کیفیت کافی برای راهنمایی آنان برخوردار نیستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶).

کتاب درسی به‌طور اعم و کتاب درسی دانشگاهی به‌نحو اخص باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که آن را از کتاب به‌معنای ابزار کسب اطلاعات عمومی متمایز نماید. کتاب درسی دانشگاهی علاوه بر غنی‌بودن از لحاظ علمی، باید به‌گونه‌ای تألیف گردد که همسو با استاندارد آموزشی باشد و به مؤلفه‌هایی همچون سطح دانشجو، مقطع آموزشی، تعداد واحد درسی، جامعه مخاطب و... توجه گردد. مهم‌تر آنکه، هدف از تألیف یا ترجمه کتاب دانشگاهی باید برخاسته از جهان‌بینی حاکم بر جامعه هدف - در ایران، جامعه اسلامی با مؤلفه‌های فرهنگی مورد لحاظ - باشد.

یکی از ضروری‌ترین نیازهای مدیریت در آینده، روش‌هایی برای اندیشیدن تحول‌آفرین در سیاست‌گذاری دانش است و این اندیشیدن با نوآوری در خوشه‌بندی دیسپلین‌ها و رشته‌های دانشی جدید - که سیاست جنایی و گرایش‌های نوپدید آن، از همین جمله‌اند - و خلاقیت نظام‌مند و عمیق محقق می‌گردد، باید مسیر پیش رو برای خلاقیت هموار گردد و این مهم از طریق ارزیابی وضعیت دانش سیاست جنایی در ایران و به‌ویژه کتب دانشگاهی درسی و مبنایی تألیف‌یافته و ترجمه‌شده در زمینه سیاست جنایی، شدنی است. از این رو سیر «ورود و گسترش» - نه لزوماً تحول و توسعه - ادبیات سیاست جنایی از نوشتگان حقوقی فرانسه به پژوهش‌ها در ایران، از آن جهت که تبارشناسی این دانش وارداتی به کشور را می‌کاود و تمهیدی برای نقد کتاب‌ها و مقالات سیاست جنایی به‌شمار می‌رود، گرچه مورد کاوی انتقادی کتاب‌ها و مقالات سیاست جنایی، در معنای جزئی و خاص، موضوع این مقاله نیست و پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبد.

کرسی پیشنهادی حاضر، براساس این فرضیه که تصحیح مسیر توسعه دانش سیاست جنایی در ایران، الگوی بومی‌سازی آن و انتظام‌بخشی به ساختار مداخلت دستاوردهای دانش سیاست جنایی در سیستم تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران جنایی در عرصه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، در گرو تحلیل انتقادی سیر گسترش نوشتگان سیاست جنایی در نظام آموزش و پژوهش حقوقی است، ضعف مسأله‌مندی در نوشتگان سیاست جنایی را ناشی از عواملی می‌داند که در رأس آن‌ها باید به تأثیر ابهام در الهیات سیاست‌گذاری علم و بازتاب آن در تفاوت محتوای دانشی سیاست جنایی غربی، اسلامی و بومی (الگوی اسلامی - ایرانی سیاست جنایی) اشاره کرد. فقدان مطلق مطالعات علم‌سنجی بر بروندادهای پژوهشی قلمرو سیاست جنایی، مانع تدریس و فراگیری صحیح دانش سیاست جنایی در ۸ واحد درس نظری تخصصی مقرر در برنامه درسی جدید (مصوب ۱۴۰۱ وزارت عتف) کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی به‌نظر می‌رسد و شرایط را برای توسعه سیاست جنایی به‌سوی تأسیس رشته عدالت‌پژوهی با گرایش‌های متعدد فراهم نمی‌کند.

وانگهی تدوین نظام سیاست‌گذاری دانش سیاست جنایی، در گرو اصلاح سرفصل واحدهای درسی سیاست جنایی در برنامه درسی رشته حقوق (گرایش / مقطع‌های حاوی عنوان سیاست جنایی) است و آن خود وابسته به اصلاح محتوای

برخی کتاب‌های سیاست جنایی در مرحله ویراست جدید برای بازنشر و راهنمایی به مؤلفان تازه‌قلم برای پژوهش در قلمرو سیاست جنایی است.

- شرح اصطلاحات و مفاهیم ابداعی به کار رفته در موضوع

۱- تحلیل گفتمان حقوقی: ابراز هویت در دنیای مدرن به دلیل کمّی بودن، در چهارچوب قدرت روی می‌دهد. مناسبات قدرت هم بیش از هر جا در عالم سیاست نمود پیدا می‌کند.^۱ از این رو، سه‌گانه‌ی «زبان-قدرت-عدالت کیفری» نقطه تلاقی و آوردگاه نتایج برخی علوم مرتبط است. زبان‌شناسی حقوقی، رشته‌ای است که با هدف‌های حقوقی موجود در نظام قضایی، هم‌راستا شده است و بر تمام شاخه‌های زبان‌شناسی، از جمله آواشناسی، معناشناسی، گفتمان و... تأکید می‌کند. این علم در ایران، چندان شناخته شده نیست. «این شاخه، حوزه‌ای گسترده از موضوع‌ها را در بر می‌گیرد که از جمله آنها می‌توان زبان قانون، زبان مورد استفاده در پرونده‌های مدنی و جزایی، و... را نام برد. شناسایی جرم، یکی از این کاربردهای متعدد است».^۲ در نگاه کلی‌تر، موضوع چگونگی استفاده انسان‌ها از زبان و مشارکت ایشان در بازی‌های زبانی در ارتباط دقیق و کامل با «صورت‌های زندگی» ترسیم می‌شود. تحلیل‌گر از بافت متن (شکل و ساختار) فراتر می‌رود و وارد بافت موقعیتی متن (شرایط و ابعاد ایدئولوژیک) می‌شود و به تحلیل آن می‌پردازد. در واقع، روش تحلیل گفتمان سعی می‌کند که نشان دهنده معانی نهفته در ذهن مولف باشد.

۲- سیاست جنایی: مهم‌ترین تعریف از سیاست جنایی در میان تعاریف موسّع - که بر ادبیات دانشگاهی ایران نیز چیرگی دارد - تعریف میری دلماس مارتی است: «مجموعه روش‌هایی که به وسیله آن، بدنه اجتماعی (هیأت اجتماع: دولت و ملت) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی می‌کند».^۳ دلماس مارتی توجه دقیقی ندارد که ماهیت سیاست جنایی باید در تعریف سیاست جنایی ذکر شود، نه فقط دایره موضوعات و ابزارهای آن (یعنی مجموعه روش‌های اقناعی و سرکوبی). ایراد دیگر وارد بر این تعریف، فقدان جهت‌گیری اخلاقی در آن است؛ جهت تعریف چنانچه مفقود باشد آن‌گاه می‌توان هر سیاست و تدبیری پیرامون بزه را سیاست جنایی نامید، و این یکی از بزرگ‌ترین خطاهای شایع در ادبیات سیاست جنایی دست‌کم در ایران است. هر اندیشیدن و عمل کردنی در مواجهه با جرم و انحراف را نباید ذیل عنوان دانش سیاست جنایی دانست. شایان ذکر است شاید تصور شود این که دلماس مارتی از کلمه‌ی «پاسخ» در تعریف سیاست جنایی استفاده کرده دلالت بر جهت‌گیری اخلاقی وی در شناخت سیاست جنایی دارد و واژه

^۱ هرسیج، حسین و هجرت ایزدی (۱۳۹۲)، هویت‌های پلورال عالم پست‌مدرن ثمره سیاست قدرت‌مدار مدرن، غرب‌شناسی بنیادی. دوره ۴. شماره ۱. ص ۱۳۶.

^۲ مؤمنی، نگار (۱۳۹۱). «تحلیل جرم زبانی «دروغ در نظام قضایی» از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه موردی در محاکم قضایی تهران)». زبان-پژوهی. دوره ۴. شماره ۷. ص ۲۶۲.

^۳ دلماس مارتی، می‌ری. (۱۳۹۸). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی اسلام*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم، ص ۳۴.

«پیشگیری» نیز بار اخلاقی دارد. به نظر می‌رسد هر پاسخی که به بزه را نمی‌توان پیامد اخلاق‌گرایی در فهم سیاست جنایی دانست و پیشگیری نیز لزوماً نتیجه‌ی رویکرد اخلاقی به جرم و انحراف نیست؛ چرا که هم مکاتب بی‌اعتنا به اخلاق نیز پاسخ به جرم تجویز می‌کنند و از جمله‌ی اینان، می‌توان حامیان رویکرد سودمندگرایی و حامیان رویکرد ریسک‌مدار به سیاست جنایی را برشمرد که در اردوگاه فکری متضاد با فیلسوفان کیفری اخلاق‌گرا و فضیلت‌گرا قرار دارند.

سیاست جنایی در ایران، اگر خوشبینانه هم بنگریم، باز بسیار آشفته است و اگر واقع‌بینانه بسنجیم، به نظر نگارنده، چیزی به نام «سیاست جنایی» به معنای دقیق کلمه و به مفهوم پیروی نظام عدالت کیفری رسمی کشور از یک سیاست و تدبیر، وجود مستقر ندارد. از نظر محقق، «سیاست جنایی» عبارت است از: «معرفتی علمی/ارزشی با ماهیت مدیریت محور و میان‌رشته‌ای و متشکل از شبکه روابط تعاملی دولت-ملت در راستای کنش و واکنش به جمیع گونه‌های بزه و انحرافات خطیر در چارچوبی مشخص از حیث گفتمان، که با پیجویی یک مسیر تعریف شده برای حرکت به سوی اهداف عدالت کیفری، دارای مبانی، ساختار و جلوه‌های تعریف شده و سازگار با یکدیگر می‌باشند.»^۱

- گزارش فرایند تکوین، تطور و تکامل موضوع

تأمل بر دهه‌های گذشته، نشان‌دهنده آن است که در هیچ دوره و زمانی، هیچ گروهی با دیدگاه منسجمی که بتوان بر آن نام «مکتب سیاست جنایی ایران» یا حتی «سیاست جنایی ایران» گذاشت، سیاستگذاری و اداره امور عدالت جنایی کشور را برعهده نداشته است که با ارزیابی عملکرد آنها و تحلیل خود سیاست جنایی به معنای واقعی و عینی، بتوان بر ناکارآمدی آن مکتب و مدل سیاست جنایی حکم صادر نمود.

تداوم جریان ترجمه و واردات آموزه‌های سیاست جنایی از نوشتگان غربی به ادبیات این دانش در کشور باعث می‌شود که مسئله‌یابی و حل مسئله به نحو بایسته ایجاد نشود؛ بلکه باعث طرح مشکلات جدید بدون راه‌حل می‌گردد. در کتب سیاست جنایی، تراکم مسئله به جای حل مسئله، عدم تعادل و بی‌سازمانی اجتماعی را در تحقیقات علوم جنایی کشور حاکم می‌کند. بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از ضعف عدالت جنایی را به جرأت می‌توان ناشی از عوامل پرشماری از جمله بومی نبودن سیاست جنایی در ایران و وضعیت نابسامان برخی پژوهش‌ها به‌ویژه انبوهی از کتاب‌های سیاست جنایی دانست. در ابعاد بنیادی، روش‌شناسی علوم انسانی - به‌ویژه علوم اجتماعی، و بالأخص دانش سیاست جنایی، که در کتب سیاست جنایی منعکس است - در ایران دچار ابهام پارادایمی و نظری است. این ابهام پارادایمی و نظری باعث شده که این نوع روش‌شناسی توسعه معرفت، مشکل‌مدار باشد و نه آن‌چنان مسئله‌محور. در یک چنین

^۱. خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۱)، تبیین سیاست جنایی بومی نوآندیشیده، طرح پژوهشی در پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، ص

وضعیتی مشکلات به جای حل شدن، بر روی یکدیگر انباشت می شوند و خود را بر نظام اجتماعی و سیاسی تحمیل می کنند.

کتب غیرروشن مند سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی علوم جنایی ایران، در این وضعیت، بیش از توانمندی به حل بحران های دیرپا و چالش های نوپدید بزهکاری، خود دچار تزلزل علمی است. بسیاری از کتب منتشره با عنوان سیاست جنایی، ساختار حقوق جزای اختصاصی دارند و بر اساس توصیف ارکان جرایم، کیفیات مخففه و مشدده کیفر، تأسیسات ارفاقی مجازات های جرایم مطرح، و یا توصیف آیین دادرسی افتراقی رسیدگی به آن جرایم، عبارت «سیاست جنایی» را فقط یدک می کشند و محتوا و ساختار مطالب بسیاری از این کتب، نسبتی با سیاست جنایی ندارد.

چندین نمودار تک صفحه ای درباره تقسیم بندی علوم جنایی، به ویژه جرم شناسی و نیز مدل بندی سیاست جنایی طبق الگوی دلماس مارتی در برخی کتب ترجمه ای سیاست جنایی مندرج است، اما این تک نمودارها درختواره نیستند و مصداق دیداری سازی خوشه بندی به شمار نمی روند. جای خوشه بندی علوم جنایی به روش علمی و مبتنی بر الگوریتم های سلسله مراتبی و الگوریتم های فازی^۱ بسیار خالی است و در صورت تولید دانش علم سنجی حقوقی به ویژه علم سنجی سیاست جنایی در ایران، بسیاری از آشفتگی های مفهومی درباره سیاست جنایی، این همان انگاری های نا آگاهانه در کاربرد کلمات سیاست جنایی و سیاست کیفری و عدالت جنایی و جانمایی نادرست و بسیار رایج واژه های جنایی، جزایی، کیفری و مانند آن کاهش خواهد یافت و توسعه دانش های جنایی در نهاد علم در ایران تقویت خواهد شد.

همچنین انجام پژوهش درباره وضعیت ساختار دانش حوزه سیاست جنایی در پایگاه های اطلاعاتی بروندادهای پژوهشی داخلی و خارجی، می تواند هم رخدادی واژگان در مقالات حوزه سیاست جنایی را مشخص کند؛ همچنان که نیاز به نقشه ساختاری نوشتگان ایرانی سیاست جنایی از طریق تحلیل هم رخدادی واژگان عناوین این نوشتگان و خوشه بندی آن ضرورت دارد. امید است پژوهش های پیش رو در قلمرو بکر علم سنجی سیاست جنایی، این خلأها در نوشتگان ایرانی سیاست جنایی را رفع کنند.

^۱. باتوجه به تولید دانش قابل توجه در چند سال اخیر در ایران - گرچه عمدتاً به شکل ترجمه - در حوزه میانکنش های ریاضیات و علوم جنایی، به ویژه نقش محاسبات فازی در تعیین مسئولیت کیفری، خطرناکی جنایی، هوش مصنوعی کمک پلیس و کمک قاضی و قلمروهای دیگر خدمات عدالت جنایی، از الگوریتم های فازی می توان جهت خوشه بندی علوم جنایی از طریق هم رخدادی واژگانی این دانش های جنایی بهره جست. توسعه پژوهش هایی براساس ایده های مطرح در کتاب ذیل الذکر، نویدبخش علم سنجی سیاست جنایی با منطق فازی براساس جذابیت های نظریه آشوب و مبتنی بر ریتم نامتقارن و رشد نامتوزان علوم انسانی در عصر پسامدرن خواهد بود.

- اشتراکات و افتراقات این موضوع با موضوعات رقیب و موجود

هیچ پژوهشی در قلمرو پایش هیچ یک از انواع برونادهای علمی در حوزه سیاست جنایی - و حتی در دیگر حوزه‌های علوم جنایی و حتی هیچ یک از علوم حقوقی - در نوشتگان علمی در ایران منتشر نشده است. گویی علم‌سنجی و حقوق، با یکدیگر قهر یا دست کم ناآشنااند.

کم‌توجهی مایل به بی‌توجهی نسبت به جرم، کثرویی، عدالت کیفری، پیشگیری از بزه، بسترهای جرم‌خیز و نارسایی در بازپروری بزهکاری و کنترل گونه‌های فزاینده تبهکاری، موضوع اغلب دیگر گزارش‌ها از نظام مسائل کشور که توسط نهادهای حاکمیت مورد پژوهش و انتشار قرار گرفته است نیز نبوده است. طیف فکری خبرگانی که ۷۸ گویه از مسائل فرهنگ عمومی کشور را در پژوهشی با نام «گردآوری و اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی در ایران براساس نظر خبرگان فرهنگی» (انجام‌شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۷) نظردهی کرده‌اند، ۱۰ اولویت (گویه) از بحرانی‌ترین مسائل فرهنگی ایران را شامل مواردی دانسته‌اند که هیچ‌یک از آن‌ها کمترین قربانی با بحران بزه و مشکلات وخیم عدالت جزایی ندارد و قریب به تمام آن‌ها محدود به مسائل اقتصادی است.^۱

در پژوهش مشابهی که توسط گروه حکمرانی در پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی - که یکی از نهادهای فرهنگی انقلابی است - لایه‌های نظام مسائل کشور ادعا شده که استخراج شده است. این لایه‌ها تماماً اقتصادی است و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی ازجمله صور بزهکاری و وضعیت‌های بزه‌دیدگان و عوامل کثرویی‌ها شناخته نشده و مورد غفلت کامل است. گویی این لایه‌بندی را یک پژوهشکده سوسیالیستی با افکار پرولتاریایی ایده‌پردازی کرده است؛ چه، هیچ توجهی به چیزی جز اقتصاد نداشته و نظام مسائل کشور در باورش محدود به آب و نان است.^۲ این فقر پژوهش بر سیاست جنایی، نظام مسائل سیاست جنایی را همچنان در نقطه صفر و عدم به رسمیت‌شناسی نزد حاکمیت قرار داده است. در چنین شرایطی، حوزه نظام مسائل سیاست جنایی و فرایند استخراج این مسائل و زیرمجموعه‌های آن،

^۱ جدول ۱ فهرست ۱۰ گویه نخست از ۷۸ گویه مورد پرسش از نخبگان فرهنگی در: شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۷)، گزارش ۱۷۷ صفحه‌ای «مسائل فرهنگ عمومی در ایران براساس نظر خبرگان فرهنگی»، ص ۲. تارنمای مرکز رصد فرهنگی کشور، در:

<https://ircud.ir/Media/PDF/1401/09/05/638050608133884888.pdf>

^۲ در گزارش این پژوهش، لایه‌بندی مسائل کشور اینچنین - فقط مسائل اقتصادی، بدون کمترین توجهی به مسائل اجتماعی، ازجمله بحران بزهکاری - اعلام شده است: «در سطحی‌ترین لایه از نظام مسائل کشور با موضوعات عینی، قابل سنجش و ارزیابی مواجه هستیم که در شکل‌گیری ادراک جامعه از وضعیت کشور تأثیر زیادی دارد. مسائلی که در این سطح هستند، شامل بیکاری، تورم، فقر، تبعیض و بی‌عدالتی، نوسانات قیمت دلار، رکود اقتصادی، مفاسد اقتصادی، نارضایتی‌های اقتصادی، وابستگی اقتصاد به نفت و سوءمدیریت است. علت وجود مسائل در این سطح را باید در یک لایه پایین‌تر، یعنی لایه دوم جستجو کرد. در لایه دوم شاهد عوامل ساختاری و علت‌های اجتماعی مسائل کشور هستیم. عواملی که به قوانین، نهادها، استانداردها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... مربوط می‌شوند و اقدام برای تغییرشان، نیازمند جسارت و حلشان نیازمند تغییر ساختارها و نظامات اجتماعی کشور است. مهم‌ترین مسائل این سطح از نظر نویسنده این یادداشت عبارت‌اند از: تعارض منافع، عدم شفافیت، نظام اداری ناکارآمد و بوروکراتیک، دولت بزرگ، تأمین مالی ارزی، تأمین مالی ریالی، تحریم، سیاست‌های حمایتی دولت، بی‌ثباتی سیاست‌ها، انحصارات صنفی، بنگاه‌داری حاکمیتی، عدم تکامل نهادهای صنفی، چرخش نسلی، نظام بانکی، نظام مالیاتی، نظام بودجه‌ریزی، ضعف در بانک‌های اطلاعاتی است.» در: <https://ana.ir/fa/news/63224/>

دیری است دچار نابسامانی تئوریک هستند و باعث شده‌اند نه تنها هیچ الگویی برای صورت‌بندی نظام مسائل سیاست جنایی در نهادهای پژوهشی حقوقی کشور^۱ شکل نگیرد، بلکه حتی ضرورت آن احساس نشده است. به‌رغم پژوهش‌های متعددی که جهت استخراج «نظام مسائل کشور» در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، زنان، محیط زیست، آمایش انسانی، بهره‌وری اداری و... انجام شده و نتایج آن‌ها در کتاب‌ها و مقاله‌ها و رساله‌های فراوانی بازتاب یافته است (رهبر، ۱۴۰۱؛ عشایری و همکاران، ۱۴۰۰؛ کشاورز و علیخان‌زاده، ۱۳۹۹؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۶)، نه تنها «نظام مسائل سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران» نه توسط نهادهای حاکمیت و نه به همت پژوهشگران مطالعات سیاست جنایی استخراج نشده است، بلکه اساساً «نظام مسائل حقوقی کشور» که امری مقدماتی‌تر و می‌توان گفت ساده‌تر است هم توسط هیچ نهادی انجام نشده است؛ دست کم، این محقق به‌رغم جستجوی فراوان، چیزی نیافت.

در مجموع، به جز چند پژوهش بنیادی که در آنها مبانی اسلامی سیاست جنایی به نیکی ارزیابی و حوزه‌های معرفتی عدالت کیفری اسلامی در ساختار تحلیلی سیاست جنایی بررسی شده است، اغلب پژوهش‌ها یا ماهیتی صرفاً فقهی دارند یا غربی یا در آنها مطالعه اجزاء و سطوح نظام سیاست جنایی به طور جزئی و موردی مد نظر قرار گرفته است.^۲ این، چالشی از حیث کاربردپذیری دانش تولیدی در حوزه سیاست جنایی در ایران است

-سؤالات

۱- کتاب‌های درس و مبنایی «سیاست جنایی» در نوشتگان حقوقی دانشگاهی ایران، از منظر کتاب‌سنجی انتقادی، دچار چه اشکالاتی است؟ وضعیت کتب درسی سیاست جنایی جهت تأمین محتوای آموزشی برای ۸ واحد درس تخصصی مقرر تحت خوشه جدیدی به نام «سیاست جنایی و جرم‌شناسی» در قالب بخش «ب» جدول ۴ از دروس تخصصی اختیاری - یعنی چهار عنوان درس نظری دو واحدی با عنوان‌های «درآمدی بر سیاست جنایی»، «سیاست جنایی محیط زیست»، «سیاست جنایی مواد مخدر و روانگردان» و «سیاست جنایی منطقه‌ای» - چگونه است؟ آیا منابع معرفی شده در برنامه درسی مصوب وزارت عتف برای این ۴ عنوان درس، منابع استاندارد و قابل قبولی هستند و حداقل‌های کتاب درسی دانشگاهی را دارا می‌باشند؟

۲- در مورد وضعیت خود دانش سیاست جنایی در ایران آیا انسجام علمی و تثبیت مفاهیم پایه و محتوای تألیفی یا ترجمه‌ای منسجم، متقن و درخوری وجود دارد یا این دانش وارداتی در ایران حتی مفاهیم اولیه‌اش نیز دچار سرگردانی

^۱. از نهادهای پژوهشی متعددی، انتظار می‌رود تأخیر در استخراج نظام مسائل سیاست جنایی کشور را با اولویت‌نهادن به این مهم تا حد ممکن جبران کنند؛ نهادهایی از جمله مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، گروه حقوق جزا و سیاست جنایی پژوهشگاه قوه قضائیه، پژوهشکده نوآوری حقوقی، پژوهشکده حقوق و قانون.

^۲ در خصوص نقد مدل‌های معاصر سیاست جنایی از دریچهٔ مصائب مدرنیته و پیروی علوم انسانی از مسیر غلط برخی پارادایم‌های مدرنیته، پژوهش مستقل و جامعی به انجام نرسیده است. کم‌توجهی به رویکرد چندوجهی در طراحی الگوی سیاست جنایی ایران در ادوار مختلف تاریخی تا عصر حاضر و ارائهٔ تحلیل صرفاً فقهی یا غربی از سیاست جنایی، نادیده‌گرفتن جنبه‌های مختلف پدیدهٔ مورد مطالعه، گریختن از فهم پیچیدگی موضوع مورد شناخت و ناشی از ساده‌نگاری است.

است و کتاب‌های موجود در تشت گسترده، این‌همانی مفاهیم سیاست جنایی با مفاهیم برخی دیگر علوم جنایی، همپوشانی تنقیح نشده و کاربرد نابجای اصطلاحات در غیرجایگاه علمی خود به سر می‌برند؟

- فرضیات

۱- کتاب‌های «سیاست جنایی» در ایران، به رغم عدم انجام مطالعه کتاب‌سنجی - که نتایج آن قابل ارزیابی در این کرسی باشد - دچار اشکالات ساختاری، محتوایی، شکلی و از آن سه مهم‌تر، «آشفته‌گی گفتمانی - پارادایمی» است. در کتب سیاست جنایی، به همراه سوءروابط قدرت میان در برخی پژوهشگران در تألیف و ترجمه مشترک کتب سیاست جنایی، موجب کاهش کیفیت این کتاب‌های دانشگاهی و ایراد صدمه اساسی به ارزش، شأن و جایگاه این دانش و محققان راستین این حیطه مهم از علوم جنایی شده است. همچنین موقعیت ساختاری یا اداری برخی نهادهای حاکمیتی سفارش‌دهنده انجام پژوهش‌های سیاست جنایی نیز گاهی به کژتابی معرفتی مسیر پژوهش می‌انجامد.

۲- طراحی الگوی بومی سیاست جنایی ایران، مستلزم شناخت نقادانه وضعیت کنونی نوشتگان درسی و پژوهشی قلمرو سیاست جنایی است. پایش سیر نضج و بسط دانش سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی ایران، شرط لازم برای دانش‌بنیاد کردن نظام اتخاذ و اجرای تصمیمات حوزه سیاست جنایی است. پژوهش جامع و مستقلى در موضوع ارزیابی تحقیقات سیاست جنایی در کشور یافت نشد. فراتحلیل، بازیابی نظام‌مند داده‌ها، کارآزمایی تصادفی کنترل‌دار، مطالعات نیمه‌آزمایشی و هم‌گروهی، روایت‌پژوهی‌های روش‌مند به شکل خوداعترافی بزه‌کاران و پیمایش بزه‌دیدگان جایگاهی در کتاب‌های منتشرشده در کشور در قلمرو سیاست جنایی ندارد و این فقر علمی باعث عدم تشکیل پشتوانه علمی برای تصمیم‌سازی سیاست‌گذارانه جنایی می‌شود.

- روش تحقیق

روش گردآوری در این کرسی ترویجی، روش تحلیل انتقادی گفتمان و کتاب‌سنجی غیردیجیتال است و روش اندیشه‌ورزی در دو سطح مجزاً، ابتدا تحلیلی، سپس انتقادی است.

- یافته‌های تحقیق

همپوشانی زیاد در محتوای برخی فصول، نامگذاری و نحوه چینش فصول و ترجمه تحت‌اللفظی برخی جملات و انتشار ترجمه به نام تألیف، ناساختارمندی مطالب به رغم ضرورت ساختارمندی خاص ضروری دانش سیاست جنایی، خلط مفاهیم و اصطلاحات و مصادیق و مدلول‌ها و روابط اصلی و فرعی و اشتقاقی سیاست جنایی با هم، انتشار کتاب‌هایی به نام سیاست جنایی با محتوای خارج یا کم‌ربط به سیاست جنایی، تحلیل‌های ناکافی و حضور کم مؤلف در متن، نمونه‌هایی از گستره وسیعی از اشکالات کتاب‌های دانشگاهی منتشره در ایران به نام سیاست جنایی است که حسب محدودیت حجمی پژوهش و چننه علمی اندک این پژوهشگر بی‌ادعا، بحث می‌شوند. اشکالات ساختاری و ماهوی پژوهش‌های سیاست جنایی - به‌ویژه کتاب‌های سیاست جنایی - نقش انکارناپذیری در کم‌رغبتی سیاست‌گذاران انتظامی

و قضایی و قانون‌گذاران و مولیان رویه‌گذاری حقوقی به کسب اطلاع از مفاهیم و مدل‌ها و رهنمودهای سیاست جنایی دارد.

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها در تولید معرفت علمی در دانش سیاست جنایی، برخورداری از روش‌شناسی است که باید مبتنی بر مبانی پارادایمی باشد. اغلب کتب منتشره در ایران با عنوان سیاست جنایی، از ضعف‌های بسیار اساسی در مبانی پارادایمی رنج می‌برند و نظام‌مند نیستند، درحالی‌که نظام‌مندی و سازه‌محوربودن سیاست جنایی، خصیصه ذاتی این دانش است و حرفه‌های پراکنده و نامدل‌واره را نمی‌توان سیاست جنایی نامید.

بخش چشم‌گیری از پژوهش‌های منتشره در کشور با تیر سیاست جنایی، دچار ضعف در مبانی پارادایمی اثباتی و تفصیری و انتقادی هستند و از چشم‌انداز فلسفی، تئوری‌های موجه‌ساز، مدل‌های کاربردی و نظام پایش‌بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. اظهارات مندرج در برخی از کتاب‌های سیاست جنایی در کشور، این‌گونه نیست که به‌نحو روش‌مندی از سطوح انتزاعی فلسفی و پارادایمی نظریه‌بنیاد آغاز شوند و تا سطح تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات و بر ساخت دانش کاربردی برای پیشگیری و پاسخ به جرایم و انحرافات توسط شبکه‌های اصلی و اشتقاقی کیفری، اداری، انضباطی، صنفی، پزشکی، اجتماعی و... به پیش بروند.

وسیع‌تر از بحران ضعف پارادایمی کتب سیاست جنایی در ایران، وجود این ضعف در اغلب پژوهش‌ها در همه علوم انسانی در کشور است، چه، طبق برون‌داد پژوهش‌های ملی پایشگر روند علوم انسانی، «توسعه معرفت علم علوم انسانی در ایران با توجه به فرآیند تحقیقات علمی موجود دچار ابهام‌های پارادایمی، نظری و روشی است. تمرکز بر مفاهیم فلسفی و ایدئولوژیک و عدم تفاهم نظری در رابطه با مفاهیم هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و خصیصه‌های پارادایم‌های الهی و اسلامی در میان اجتماعاتی از عالمان و اندیشمندان که به‌دنبال طراحی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند به عدم طراحی روش‌شناسی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی که توان تحلیل، تبیین و درنهایت حل مسائل را داشته باشد، انجامیده است.

در اغلب کتب سیاست جنایی، تراکم مسأله به‌جای حل مسأله، عدم تعادل و بی‌سازمانی اجتماعی را در تحقیقات علوم جنایی کشور حاکم می‌کند. بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از ضعف عدالت جنایی را به‌جرات می‌توان ناشی از عوامل پرشماری، از جمله بومی‌نبودن سیاست جنایی در ایران و وضعیت نابسامان برخی پژوهش‌ها به‌ویژه انبوهی از کتاب‌های سیاست جنایی دانست. در ابعاد بنیادی، روش‌شناسی علوم انسانی - به‌ویژه علوم اجتماعی و بالأخص دانش سیاست جنایی که در کتب سیاست جنایی منعکس است - در ایران دچار ابهام پارادایمی و نظری است. این ابهام پارادایمی و نظری باعث شده که این نوع روش‌شناسی توسعه معرفت، مشکل‌مدار باشد و نه آنچنان مسأله‌محور. در یک چنین وضعیتی مشکلات به‌جای حل شدن، بر روی یکدیگر انباشت می‌شوند و خود را بر نظام اجتماعی و سیاسی تحمیل می‌کنند.

کتب غیرروشنمند سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی علوم جنایی ایران، در این وضعیت، بیش از توانمندی به حل بحران‌های دیرپا و چالش‌های نوپدید بزهکاری، خود دچار تزلزل علمی است. بسیاری از کتب منتشره با عنوان سیاست جنایی، ساختار حقوق جزای اختصاصی دارند و براساس توصیف ارکان جرایم، کیفیات مخففه و مشدده کیفر، تأسیسات ارفاقی مجازات‌های جرایم مطرح و یا توصیف آیین دادرسی افتراقی رسیدگی به آن جرایم، عبارت «سیاست جنایی» را فقط یدک می‌کشند و محتوا و ساختار مطالب بسیاری از این کتب، نسبتی با سیاست جنایی ندارد.

اشکالات ساختاری، محتوایی، شکلی و از آن سه مهم‌تر، «آشفته‌گی گفتمانی - پارادایمی» در کتب سیاست جنایی، به همراه سوءروابط قدرت میان در برخی پژوهشگران در تألیف و ترجمه مشترک کتب سیاست جنایی، موجب کاهش کیفیت این کتاب‌های دانشگاهی و ایراد صدمه اساسی به ارزش، شأن و جایگاه این دانش و محققان راستین این حیطه مهم از علوم جنایی شده است. همچنین موقعیت ساختاری یا اداری برخی نهادهای حاکمیتی سفارش‌دهنده انجام پژوهش‌های سیاست جنایی نیز گاهی به کژتابی معرفتی مسیر پژوهش می‌انجامد.

پایش سیر نضج و بسط دانش سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی ایران، شرط لازم برای دانش‌بنیادکردن نظام اتخاذ و اجرای تصمیمات حوزه سیاست جنایی است. پژوهش جامع و مستقلی در موضوع ارزیابی تحقیقات سیاست جنایی در کشور یافت نشد. با اینکه مقاله‌سنجی در مقایسه با کتاب‌سنجی، بسیار آسان‌تر است و سهولت آن هم به‌خاطر وفور و راحتی کاربست ابزارهای علم‌سنجی مقالات از رهگذر پایش پایگاه‌های نمایه‌کننده مقالات است. کتب غیرروشنمند سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی علوم جنایی ایران، در این وضعیت، بیش از توانمندی به حل بحران‌های دیرپا و چالش‌های نوپدید بزهکاری، خود دچار تزلزل علمی است. بسیاری از کتب منتشره با عنوان سیاست جنایی، ساختار حقوق کیفری اختصاصی دارند و یا نوشتگان محدود به سیاست‌های حاکم بر تأسیسات ارفاقی در حقوق کیفری عمومی ایران در پرتو جرم‌شناسی بازپرورانه را «سیاست جنایی بازپروری» نام نهاده‌اند. همچنین در بسیاری از کتب سیاست جنایی، تراکم مسأله به‌جای حل مسأله، عدم تعادل و بی‌سازمانی اجتماعی را در تحقیقات علوم جنایی کشور حاکم می‌کند. فراتحلیل، بازیابی نظام‌مند داده‌ها، کارآزمایی تصادفی کنترل‌دار، مطالعات نیمه‌آزمایشی و هم‌گروهی، روایت پژوهی‌های روش‌مند به‌شکل خوداعترافی بزهکاران و پیمایش بزه‌دیدگان جایگاهی در کتاب‌های منتشرشده در کشور در قلمرو سیاست جنایی ندارد و این فقر علمی باعث عدم تشکیل پشتوانه علمی برای تصمیم‌سازی سیاست‌گذارانه جنایی می‌شود.

نقص در نمایه‌سازی برون‌دادهای پژوهشی از نوع کتاب - دیجیتالی کردن کتاب‌ها - جهت تسهیل علم‌سنجی از طریق کتاب‌سنجی، در دستور کار بسیاری از نظام‌های سیاست‌گذاری علم در کشورهای مختلف قرار گرفته است. این پروژه مهم، تحلیل تغییرات در خوشه‌های دانش و فراز و فرود قلمروهای پژوهشی، گرایش‌های رشته‌ای، رشته‌ها و آبرحوزه‌های دانشی را ممکن‌پذیر، کم‌خطاتر و علمی‌تر می‌نماید. در ایران، نسخه الکترونیکی کتاب‌های حقوقی بسیار اندک و ناچیز است و کتاب چندرسانه حقوقی وجود ندارد و همان‌اندک کتاب‌های الکترونیکی حقوقی هم در

پایگاه‌های دیجیتال قابل کتاب‌سنجی قابلیت تحلیل علم‌سنجانه ندارد و صرفاً فایل pdf این کتاب‌ها قابل مطالعه است. بنابراین هیچ‌گونه کتاب‌سنجی دیجیتال - که نیازمند قابلیت اجرای تکنیک‌های علم‌سنجی بر محتوای کتاب‌ها است، نه صرفاً امکان مشاهده یا دانلود تصویر روگرفت الکترونیکی کتاب‌ها - وجود ندارد. از این رو کتاب‌سنجی به روش کلاسیک و غیردیجیتال میسر است و البته همین حد ابتدایی از کتاب‌سنجی هم در مورد نوشتگان سیاست‌جنایی از نوع کتاب و نیز از نوع مقاله، انجام نشده است. سیاست‌جنایی در ایران را در وضعیت توجه نامتوازن به سیاست‌جنایی فرانسه و بی‌توجهی تفریطی به سیاست‌جنایی کشورهای متعدد دیگری قرار داده است که قرابت‌های گسترده حقوقی و اجتماعی و... با ایران دارند و الهام از آن‌ها امکان پیوند حقوقی موفق‌تر به سیاست‌جنایی ایران را نوید می‌دهد.

نظر به آنکه طبق سنت معرفتی هر رشته باید تصمیم‌گیری شود که چه برون‌دادهایی استفاده شود و چگونه مورد ارزیابی قرار گیرد، شاخص‌ها و سنجش‌های برون‌دادهای علمی سیاست‌جنایی در نوشتگان دانشگاهی کشورمان مبهم و اساساً نامتولد است و این خلأ بزرگ، عدالت‌پژوهی را عقیم و سیاست‌گذاری در عدالت‌جنایی را نامبنتی بر مطالعه واقعیت‌های بزهکاری، بزه‌دیدگی و دیگر مؤلفه‌های لازم به سنجش می‌سازد.

برای برقراری ملزومات اولیه علم‌سنجی سیاست‌جنایی در ایران، لازم است پس از تعیین شاخه‌های اصلی و فرعی درختواره دانشی^۱ سیاست‌جنایی و ترسیم روند تغییرات صورت گرفته در سیر تحول این دانش - از سیاست‌کیفری به سیاست‌جنایی و توسعه مفهومی شبکه روابط اصلی، فرعی و اشتقاقی تدابیر کنشی و تدابیر واکنشی به جرایم و کژروی‌ها توسط حلومت و ملت با ابزارهای قهری و اصلاحی و توسعه کنشگران و پایشگران سازمانی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی سیاست‌جنایی در موضوع‌های مختلف چاره‌جویی برای کنترل بزه - وضعیت پژوهش‌های ایرانی منتشره اعم از کتاب‌ها و مقاله‌ها و رساله‌ها و گزارش‌های پژوهشی سازمانی و... در وب علوم تحلیل شود.

سیاست‌گذاری جنایی در ایران بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های کلی نظام، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و سیاست‌های کلان قوه قضائیه و مقررات قضایی قرار دارد. «اثرپذیری این سیاست‌ها از نهادهای مدنی یا دیدگاه‌های متخصصان و اساتید جرم‌شناسی و حقوقدانان کمتر است» (شیری، ۱۳۹۷: ۱۰۵). نارسایی‌های تولیدات علمی سیاست‌جنایی، از جمله کتاب‌های سیاست‌جنایی، یکی از عوامل کم‌اثرپذیری سیاست‌جنایی ایران از نوشتگان سیاست‌جنایی است و از این رو پایش کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های قلمرو سیاست‌جنایی امری ضروری، مهم، خطیر و سازنده است.

نظام دانشگاهی موظف است همواره بهینگی عوامل درونداد، فرآیند و برون‌داد خود را پایش نماید و به ارتقای شاخص‌های آموزشی و پژوهشی مبادرت ورزد. منابع آموزشی به‌مثابه بخشی از عوامل درونداد، در کانون ارزیابی قرار دارند تا میزان تحقق اهداف مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی از خلال کارکرد کتب دانشگاهی، سنجش‌پذیر شود. پایش کتب دانشگاهی در علوم انسانی، به‌ویژه در رشته حقوق، و بالأخص در علوم جنایی (در قالب رشته/گرایش -

^۱. Tree of knowledge

هایی از جمله، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی و...)، امکان شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه درسی و محتوای تولیدشده برای اجرای برنامه درسی را به سیاستگذاران آموزشی می‌دهد تا به اصلاح و ارتقای مداوم برنامه درسی و کتب مورد معرفی رسمی در سرفصل دروس دانشگاهی (برنامه درسی گرایش‌های حقوق، مصوب وزارت عتف) مبادرت ورزند کنند.

هر یک از سه روش رایج در ارزشیابی کتاب‌های دانشگاهی، شامل روش تجربی، نظرسنجی از مخاطبان و روش تحلیلی، نقاط قوه و ضعف و نیز محدودیت‌ها و عدم قطعیت‌های خاص خود را دارد. روش تجربی، با چالش‌هایی از جمله ابزار اندازه‌گیری، دشواری اجرای طرح تجربی، محدودیت مقیاس، ملاحظات اخلاقی و پیامدهای متغیرهای مستقل کنترل نشده به عنوان عامل جدید روبه‌رو هستند. همچنین روش دوم نقد کتب دانشگاهی - روش نظرسنجی از مخاطبان - با محدودیت‌هایی از جمله مقایسه دیدگاه‌های مخاطبان مختلف، نظرات سریعاً ارائه‌شده و سطحی، و تأثیر زمینه بر نظرات - مواجهه است. همچنین، سومین روش نقد کتاب‌های دانشگاهی - روش تحلیل کتاب درسی - با عواملی همچون انتخاب معیارها از سوی ذینفعان، زمان در مقابل دقت، ذهنیت در مقابل عینیت، و نسبی بودن اهمیت ملاک‌ها مورد نقد و تحدید قرار دارد. نظر به فراوانی روش‌های ارزشیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی و محدودیت‌ها و مزایای هر روش، این پژوهش بر شیوه تحلیل کتاب‌های دانشگاهی سیاست جنایی تمرکز نمود و با اتخاذ روش نمونه‌گیری هدفمند، کتب منتخب دانشگاهی در حوزه سیاست جنایی را نقد ماهوی نمود. پیش از آن، نقد سیر توسعه این دانش در ایران بحث شد و در این راستا، طرح پژوهشی حاضر پس از تحلیل تاریخی زایش و ریش دانش سیاست جنایی در گفتمان غربی علوم جنایی، در سه شاخه اروپای قاره‌ای، بریتانیایی و آمریکای شمالی، بررسی تأثیر ضعف «مسئله‌یابی پژوهش» در علوم جنایی بر خلل در توسعه سیاست جنایی را در الهیات سیاستگذاری علم کاوش نمود و بازتاب الهیات سیاستگذاری علم را در تفاوت محتوای دانشی سیاست جنایی بحث کرد. پس از این مقیاس جهانی، این تحقیق در قلمرو حقوق داخلی ایران، به تحلیل زایش و ریش دانش سیاست جنایی در گفتمان ایرانی علوم جنایی پرداخت و در این جهت، مهم‌ترین موانع توسعه مطلوب دانش سیاست جنایی در ایران، با تأکید بر سه دسته نقص، بحث شد: ۱) نقص به رسمیت‌شناسی دانش سیاست جنایی در قوانین، مقررات و رویه نهادهای عدالت جنایی، ۲) ضعف دانش و کنش بایسته جهت پایش برون دادهای علمی حامل عنوان سیاست جنایی، و ۳) نارسایی در تولید دانش بومی سیاست جنایی.

در میان پژوهش‌های علوم جنایی، به جرأت می‌توان گفت هیچ پژوهشی در مورد علم‌سنجی این پژوهش‌ها (اعم از مقاله‌سنجی، رساله‌سنجی، کتاب‌سنجی و...) در نوشتگان به زبان فارسی منتشر نشده است. مسائل به مثابه پدیده‌هایی نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی را به خود درگیر می‌کنند، و البته سیاست جنایی ایران، از جمله مسائلی است که گرچه مردم عادی (غیر متخصصان علوم جنایی) از مفهوم اصطلاح سیاست جنایی اطلاع ندارند اما برآیند پژوهش -

های میدانی^۱ درباره وضعیت شاخص احساس «عدالت کیفری»^۲ در ایران، نشانگر مسئله‌مندی سیاست جنایی و وجود چالش‌هایی در این سطح از سیاستگذاری، در حاق نظر مردم و اعماق ذهن آنهاست. افزون بر جایگاه نظر مردم درباره شاخص رعایت جنایی، آمارهای معتبر جهانی در پایش و رتبه‌بندی کشورها از حیث شاخص و ریزشاخص‌های عدالت جنایی نیز معیار دیگری برای تشخیص مسئله‌مندی سیاست جنایی است.^۳ پس، سیاست جنایی از جمله مسئله‌ها در ایران است؛ همچنان که در بسیاری از دیگر کشورها.

فقدان مسئله‌مندی در دانش سیاست جنایی و کنش تصمیم‌سازان و مجریان و پایش‌گران سیاست جنایی، آسیبی است که با ضعف در کارایی، عدالت، نتایج، فرهنگ و ارزش‌ها، افت رضایت شهروندان، تضعیف مدیریت فرآیندها، ناتاب-آوری سیستم‌های حاکمیت، ناپاسخگویی و مسئولیت‌ناپذیری کنشگری حقیقی و حقوقی مرتبط است. فقدان مسأله-مندی در پژوهش‌های سیاست جنایی را می‌توان با شاخص‌های مختلفی از جمله بررسی فراتحلیل‌های به‌عمل‌آمده از موضوع‌های پایان‌نامه‌ها و رساله‌های رشته مدیریت - از آن حیث که سیاستگذاری جنایی، از مسئله‌های مدیریت دولتی است - سنجش کرد.

اگرچه کتب دانشگاهی سیاست جنایی از لحاظ ظاهری و شاخص‌های فنی و چاپی در جایگاه نسبتاً مناسبی قرار دارند، اما برخی معیارها از جمله «تغییرات شکلی اثر در چاپ‌های بعدی»، «بومی‌سازی با فرهنگ ملی و نظام حقوقی ایران»، «روزآمدی داده‌ها» و «لزوم ساختارمندی سیستمی، مبتنی بر ماهیت دانش سیاست جنایی» از دیگر نقاط ضعف کتب این حوزه شناسایی شدند.

^۱ برخی از این پژوهش‌ها، برای نمونه: امیری، عباس؛ روحی، مجید (۱۴۰۱)، عدالت قضایی و رابطه آن با ثبات و کارآمدی نظام‌های سیاسی (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۰؛ میرحسینی، وحید (۱۳۹۹)، بررسی نقش عوامل مستقیم و غیرمستقیم احساس عدالت قضایی در ارتقای امنیت عمومی ج.ا.ا، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۷.

^۲ عدالت کیفری، به «مجموعه عملکردهای نظام‌های سازمانی برای تحدید و نظم‌بخشی به رفتارهای شهروندان و پایدارکردن کنترل‌های اجتماعی و پیشگیری از جرم و اجرای ضمانت‌های جزایی و بازپروری مجرمان و حمایت از شهروندان» تعریف شده است. برای بررسی مفهوم هر یک از اجزاء این تعریف، بنگرید به:

Rutherford, Andrew. (۲۰۰۱). Criminal Justice Choices: What Is Criminal Justice for? , London, Institute of Public Policy Research, p. ۷.

^۳ رتبه ایران در شاخص جهانی فساد، طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۲۳ با یک پله پس‌رفت، به ۱۴۹ از ۱۸۰ کشور جهان رسیده است. همچنین مطابق رتبه‌بندی کشورها در سامانه شاخص حاکمیت قانون در پروژه عدالت جهانی (WJP Rule of Law Index) جمهوری اسلامی ایران با مجموع امتیاز ۷/۸، جایگاه ۱۰۹ از ۱۲۸ کشور مورد بررسی را به خود اختصاص داده است. در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا جایگاه هفتم را در میان هشت کشور دارا است. این پروژه با استفاده از نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی بر اساس ۸ معیار اصلی و مجموعاً ۴۴ معیار به سنجش حاکمیت قانون پرداخته است. جایگاه ۱۰۹ ایران در این رتبه‌بندی نشان از وضعیت ناگوار این شاخص‌ها در کشور است که در نوع خود می‌تواند نشانگر ضعف سیاست جنایی یا حتی فقدان آن در بسیاری از قلمروهای مطالعه و کنترل جرم باشد. برای مطالعه تفصیلی ریزشاخص‌های رتبه ایران در این نظام رتبه‌بندی جهانی عدالت، بنگرید به:

<https://worldjusticeproject.org/rule-of-lawindex/country/۲۰۲۳/Iran/>

با در نظر داشت پرسش‌های پژوهش، اثبات یا رد فرضیه‌ها تعیین می‌شود. در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین چالش‌های توسعه دانش سیاست جنایی در ایران چیست، فرضیه تحقیق، مورد اثبات است. بدین معنا که مشخص شد ترجمه-گرایی، فقدان رویکرد سیستمی، ابهام در نسبتِ فقه و حقوق غربی و ایرانی در بسیاری از مسائل، نص‌گرایی ضعیف-الاستدلال، ناپویایی در دامنه و تنوع راهبردهای نوآورانه پژوهشی در نهادهای سیاستگذاری عمومی و سیاست‌گذاری جنایی کشور، و اساساً ضعف اساسی در نهادینه‌سازی دانش سیاست جنایی به مثابه الگوی نظر و عمل در کنترل جرایم و کژروی‌ها، برخی از آسیب‌زا ترین چالش‌های سیاست جنایی در ایران، از بدو ورود به نوشتگان پژوهشی کشور است.

در بررسی این پرسش که از منظر ضوابط ملی تولید کتاب دانشگاهی در بخش دولتی و خصوصی، بارزترین جلوه‌های نارسایی کتاب‌های سیاست جنایی در ایران کدام‌اند، اثبات شد که ضعف در مؤلفه‌هایی از جمله ساختار پارادایمی، سیاق سیاستگذارانه عمومی در متن، انسجام و ربط مفهومی مطالب، رابطه عنوان با محتوا، استدلال‌ورزی حقوقی، مستندسازی محتوا به مواد قوانین و مقررات، و گستره وسیعی از دیگر اشکالات ساختاری، محتوایی و شکلی، از جمله اشکالات کتاب‌های دانشگاهی سیاست جنایی در ایران است.

وانگهی، پرسش سوم با این تعبیر که ظرفیت معاونت پژوهشی و پژوهشکده «سمت» در تأمین محتوای آموزشی و پژوهشی برای توسعه دانش سیاست جنایی در ایران چیست، با این فرضیه همراه بود که معاونت پژوهشی و پژوهشکده «سمت» ظرفیت دانشی تألیف دست‌کم ۳ عنوان کتاب دانشگاهی درسی با عناوین «سیاست جنایی منطقه‌ای»، «سیاست جنایی محیط زیست» و «کلیات سیاست جنایی» را برای تأمین محتوای درسی ۶ واحد از ۸ واحد دروس سیاست جنایی در خوشه شماره «ب» جدول دروس تخصصی برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی را دارد؛ همچنان که ظرفیت تألیف مقالات پژوهشی کمک‌درسی برای سه عنوان درس پیش‌گفته و نیز عنوان درسی چهارم - «سیاست جنایی جرایم مواد مخدر و روانگردان» - را داراست. فرضیه سوم، بطور نسبی (با توجه به ظرفیت متخصصان حقوق جزا و جرم‌شناسی عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت») قابل تأیید به نظر می‌رسد.

جدول برونداد ارزیابی انتقادی محتوای کتب منتخب سیاست جنایی

بر اساس شاخص‌های آموزشی کتاب درسی دانشگاهی

طبق شاخص‌های منتخب (بومی‌شده با شاخص‌های پایش کتب حقوقی؛ کتب سیاست جنایی)

چک‌لیست نقد کتب درسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی - ۱۳۹۴

شماره‌گذاری کتاب‌های منتخب سیاست جنایی:

- ۱- کتاب «نظام‌های بزرگ سیاست جنایی» (تألیف: می‌ری دلماس مارتی - ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی)
- ۲- کتاب «سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران» (تألیف: سیدمحمد حسینی)
- ۳- کتاب «سیاست جنایی» (تألیف: محمدباقر شاملو)
- ۴- کتاب «سیاست جنایی مشارکتی» (تألیف: علیرضا جمشیدی)
- ۵- کتاب «نظریه عمومی سیاستگذاری جنایی» (تألیف: امیر ایروانیان)
- ۶- کتاب «سیاست جنایی (مجموعه مقالات)» (علی نجفی توانا)
- ۷- کتاب «سیاست جنایی اسلامی» (تألیف: طوبی شاکری گلپایگانی)
- ۸- کتاب «سیاست جنایی قضایی» (تألیف: محمدرضا گودرزی بروجردی)
- ۹- کتاب «سیاست جنایی ایران در حمایت از حقوق تألیف و نشر» (تألیف: عباس حسینی نیک)
- ۱۰- کتاب «سیاست جنایی ریسک‌مدار» (تألیف: امیر پاک‌نهاد)
- ۱۱- نقد کتاب «سیاست جنایی ایران در رسیدگی به تخلفات و جرایم قضات» (تألیف: علی احمدی‌فر)
- ۱۲- نقد کتاب «پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران» (تألیف: مسعود اکبری و فاطمه قناد)
- ۱۳- نقد کتاب «سیاست جنایی؛ از گفتمان تا برساخت ریزومیک‌شده و ناروا» (تألیف: سلمان کونانی)
- ۱۴- نقد کتاب «جایگاه عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران در دادرسی اطفال و نوجوانان» (تألیف: مریم مژده‌ی فرد و علیرضا میلانی)
- ۱۵- نقد کتاب «سیاست جنایی تقنینی - اجرایی ایران در حمایت از اطلاعات مالی در فضای سایبر» (تألیف: جعفر جمالی، الهام سلیمان‌دهکردی و مرسته مظلومی)

کتاب‌های وضعیت بد	کتاب‌های وضعیت متوسط	کتاب‌های وضعیت خوب	شاخص‌های ارزیابی	
کتاب‌های شماره ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴	کتاب‌های شماره ۳، ۶، ۱۵	کتاب‌های شماره ۲، ۷	میزان بومی‌بودن (اسلامی-- ایرانی‌بودن) محتوای کتاب با مقتضیات ملی (با نظام حقوقی ایران)	۱
کتاب‌های شماره ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵	کتاب‌های شماره ۱، ۴، ۷، ۱۱	کتاب‌های شماره ۵، ۱۰، ۱۵	جامع و مانع بودن محتوای کتاب	۲
کتاب‌های شماره ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵	کتاب‌های شماره ۱، ۲، ۵	کتاب‌های شماره ۳	سازگاری محتوای کتاب با ضوابط برنامه درسی	۳
کتاب‌های شماره ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵	کتاب‌های شماره ۲، ۷، ۹	کتاب‌های شماره ۱، ۳، ۴، ۵	سازگاری محتوا با ساختار ذاتی حاکم بر هر رشته در کتاب	۴
کتاب‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳	کتاب‌های شماره ۱۲، ۱۴	کتاب‌های شماره ۹، ۱۱، ۱۵	کاربردی بودن محتوای کتاب	۵
کتاب‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳	کتاب‌های شماره ۱۲، ۱۴	کتاب‌های شماره ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۵	نظم منطقی و انسجام مطالب کتاب (سازمان مناسب محتوا)	۶
کتاب‌های شماره ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵	کتاب‌های شماره ۴، ۷، ۱۰	کتاب‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۵	اعتبار علمی منابع کتاب	۷
کتاب‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳	کتاب‌های شماره ۱۲، ۱۴	کتاب‌های شماره ۹، ۱۱، ۱۵	وجود نقد و بررسی و تحلیل‌های علمی	۸
کتاب‌های شماره ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴	کتاب‌های شماره ۷، ۱۰	کتاب‌های شماره ۱، ۵، ۱۵	نوآوری و روزآمدی	۹
کتاب‌های شماره: ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵	کتاب‌های شماره ۲، ۳، ۷	کتاب‌های شماره:	میزان مطابقت اثر با سرفصل‌های مصوب وزارت عتف	۱۰

-دستاوردها(استفاده از این تحقیق در سازمانها و مراکز)

- ۱- تصحيح مسير توسعه دانش سياست جنایی در ايران، الگوی بومی سازی آن و انتظام بخشی به ساختار مداخلیت دستاوردهای دانش سياست جنایی در سیستم تصمیم گیری سیاستگذاران جنایی در عرصه های تقنینی، قضایی و اجرایی،
- ۲- ایجاد امکان تدریس و فراگیری صحیح دانش سياست جنایی در ۸ واحد درس نظری تخصصی مقرر در برنامه درسی جدید (مصوب ۱۴۰۱ وزارت عتف) کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، به مثابه گامی در مسیر تأسیس رشته عدالت پژوهی با گرایش های متعدد،^۱
- ۳- ترسیم دورنمای تألیف کتب پژوهشی جدید در حوزه سياست جنایی جهت قرارگیری به عنوان منابع فرعی کمک-درسی و منبع اصلی پژوهشی،
- ۴- ارائه ایده به سیاستگذاران پژوهشی و آموزشی و فرهنگی وزارت عتف جهت به زمامداری علمی از رهگذر پیشنهاد اصلاح منابع درسی مورد معرفی در برنامه درسی جدید کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی.

کاربران تحقیق

سياست گذاران و تصمیم سازان نظام سياست جنایی جمهوری اسلامی ایران، از جمله: نهادهای پژوهشی راهبردی قوای سه گانه، به ویژه بنیاد الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات سیاست های علمی کشور، و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، دانشگاه ها، استادان و پژوهشگران سياست جنایی، ناشران حقوقی

۴. منابعی که نتیجه تحقیق در آنها ارائه شده است:

الف) مجلات

ردیف	عنوان مقاله	عنوان مجله	شماره مجله	سال چاپ
۱	مقاله (نقد سبک گسترش نوشتگان دانشگاهی «سياست جنایی»)، مقاله از مورخ تحت داوری از مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۹	فصلنامه پژوهشی «ترویج علم»		

^۱ برای مطالعه در تبیین ضرورت تأسیس رشته عدالت پژوهی با گرایش های متعدد، بنگرید به: پیغامی، عادل [و همکاران] (۱۳۹۳)، الزامات و خط-مشی های کلان علمی عرصه عدالت پژوهی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۸، شماره ۲، ص ۲۹-۳۰.

ب) کتاب

ردیف	عنوان کتاب	نوع (تألیف / ترجمه)	ناشر / محل نشر	سال انتشار
۱				
۲				
۳				

ج) سمینار و همایش

ردیف	عنوان مقاله	سال انتشار
۱		
۲		

۵. ارجاعات به مقالات و کتب منتشره حاصل از این تحقیق (با ذکر مشخصات کتاب شناختی):

۶. نقدهای مدون این تحقیق (با ذکر مشخصات کتاب شناختی):

۱- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۳)، تحلیل انتقادی کتاب‌های «سیاست جنایی» در پرتو نقد سیر توسعه این دانش در ایران، گزارش پژوهشی موظفی اتمام یافته در پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت».

۷. مدارک اقبال و پذیرش جامعه علمی به این تحقیق (در صورت وجود)

۸. نکات دیگری که ذکر آن را لازم می‌دانید.